

بررسی نمادگرایی در شعر نهضت جنگل

(با تأکید بر اشعار غلامرضا رحمدل و عبدالرضا رضایی نیا)

محمدتقی یونسی رستمی*

کبری کریمی پور سورکوهی**

چکیده

نماد زادگاه هنر است و در حوزه های مختلف دانش بشری از جمله ادبیات نقشی بنیادین دارد، پیشینه نمادگرایی نشان می دهد که هر چیزی می تواند معنای نمادین بیابد، در ادبیات بومی استفاده از عناصر مختلف منطقه ای (اقلمی) کاربرد فراوانی داشته و دارد، شاعران و نویسندگان در نوشته ها و اشعارشان درباره نهضت جنگل از نمادگرایی استفاده کرده اند، هدف این مقاله بررسی نمادگرایی در شعر نهضت جنگل با تأکید بر اشعار رحمدل و رضایی نیا است. روش کار توصیفی تحلیلی است، نتایج حاصل نشان داد: دو شاعر گیلانی از عناصر اقلیمی برای نمادگرایی بهره بردند، واژه ها و عناصر میرزا، جنگل، خزر، شالی، گل و رنگ، به همراه ترکیبات آنها در نمادگرایی به کار رفتند، در شعر رحمدل، نمادگرایی جنگل، شالی و خزر بیشتر از دیگر عناصر است، اما سربریده میرزا، رنگهای سرخ، سبز و آبی در شعر رضایی نیا بسامد نمادین فراوانتری دارند.

کلیدواژه ها: نمادگرایی، ادبیات بومی، نهضت جنگل، اشعار رحمدل و رضایی نیا

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی رشت (نویسنده مسئول)

MTyounesi@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

kb.karimipour@gmail.com

مقدمه

حرکت تحولخواه ایرانیان در دوران معاصر با جنبش تنباکو آغاز و به نهضت مشروطه 1284 (ش) منجر شد، از میان خیزشها و نهضت های پس از مشروطه، نهضت جنگل از لحاظ ایدئولوژیکی، سازمان دهی، مدت زمان، سطح کیفی و میزان تأثیرگذاری از دیگر حرکت ها کاملاً متمایز است و می توان از آن به عنوان یکی از زمینه های پیروزی انقلاب اسلامی نام برد.

نهضت هفت ساله جنگل (1293 - 1300 ش) کارکردها و نتایج گوناگونی داشت، با انتشار روزنامه جنگل - ارگان نهضت - در 1335 ه. ق (1296 ش) ادبیات جنگلی (جنگل) آغاز شد و بعدها نیز با فراز و نشی بهایی چند، تداوم یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اقبال نویسندگان، شاعران و هنرمندان به میرزا کوچک خان و نهضت جنگل رشد چشمگیری یافته است، در این مقاله درصدد هستیم تا نمادگرایی در شعر نهضت جنگل را با تکیه بر اشعار غلامرضا رحمدل و عبدالرضا رضایی نیا، مورد بررسی قرار دهیم، روش کار توصیفی - تحلیلی است، قلمرو تحقیق دفاتر «گدازه های آه و چاه» (1385) و «ما ایستاده ایم» (1386) از رحمدل و دو دفتر «فرشته بفرستید» 1368 و «بخوان عین باران» (1387) از رضایی نیا می باشند.

بیان مسئله

اصطلاح نشانه و انواع آن از جمله نماد، برای نخستین بار توسط ساندرز پیرس (1839 - 1914م) در دوران مدرن، وارد حوزه ادبیات علمی شد، او نشانه را به سه دسته شمایل، نمایه و نماد تقسیم کرد و سمبولیسم ها در آثارشان در حوزه های شعر و نثر به گسترش دایره نفوذ نمادگرایی پرداختند.

نماد زادگاه هنر است و توانایی مجسم ساختن عنصری که نمی توان آن را به شیوه ای روشن مطرح کرد، داراست. نهضت جنگل در آغاز با هسته هفت نفره در رشت شکل گرفت و در نهایت به اتمام حکومت جمهوری در 1296 ش منجر شد. نهضت جنگل اگرچه در ظاهر به شکست انجامید و رهبران اصلی آن، میرزا کوچک، حشمت و ... کشته شدند، اما کارکردهای فراوانی از خود

باقی گذاشت و به تدریج در حوزه شعر و نثر بازتاب گسترده یافت، در این مقاله بر آنیم که نمادگرایی در شعر نهضت جنگل را با تأکید بر اشعار غلامرضا رحمدل و عبدالرضا رضایی نیارا بررسی کنیم.

سؤالات تحقیق عبارت اند از: این دو شاعر چرا از عناصر بومی گیلان برای سرودن شعر درباره میرزا کوچک و نهضت جنگل استفاده کردند؟ کدا میک از عناصر بومی در این نمادگرایی بسامد بیشتری دارد؟ چه تفاوتی در استخدام نمادگرایی عناصر بومی در شعر رحمدل و رضایی نیا وجود دارد؟

ضرورت و اهداف تحقیق

بی شک نهضت جنگل، حادثه تاریخی است، آثار گوناگونی که درباره میرزا کوچک، نهضت جنگل، پاره ای از اشخاص و رویدادهای نهضت به چاپ رسیده اند که عمدتاً دارای نظرگاه و تحلیل تاریخی هستند، متأسفانه به ادبیات جنگل در حوزه نثر و شعر چندان پرداخته نشده است، در این مقاله در صدد هستیم تا نمادهای مربوط به نهضت جنگل را بر اساس قلمرو مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه تحقیق

هیچ اثری مستقل، درباره نمادگرایی در شعر نهضت جنگل (با تأکید بر اشعار رحمدل و رضایی نیا) به چاپ نرسیده است، اما درباره میرزا کوچک و نهضت جنگل آثار گوناگونی چاپ و منتشر شده اند که به تعدادی از آن آثار اشاره می کنیم:

- احرار، احمد (1346) مردی از جنگل. این کتاب، اثر داستانی است، نویسنده، در آغاز در سال 1345 ش و در 171 شماره داستان «مردی از جنگل» را در روزنامه به چاپ رساند و سپس در 1346 آن را به شکل کتابی مستقل انتشار داد، برخی از مطالب اثر، و واقعیت تاریخی ندارد و با افسانه آمیخته است.

- اعتماد زاده، محمود (بی تا) «دختر رعیت» کتاب داستان بررسی گونه ای از رویداد تاریخی نهضت جنگل و آیین تمام نمای زندگی روستاییان گیلان در دوران نهضت جنگل است و برخی از گزارش های تاریخی این نهضت را دارا است.

- تمیمی طالقانی، میرزا محمد (1389) دکتر حشمت که بود؟ داستان جنگل چه بود؟ «به تصحیح و تحشیه محمد داوودی، این کتاب از نظر تاریخی اولین اثر مستقل درباره نهضت جنگل به شمار می رود، همه گزارش های تاریخی تمیمی از اتقان و مستندات تاریخی برخوردار نیست.

- پناهی، عباس (1395) ماخذشناسی تحلیلی توصیفی جنبش گیلان «این اثر در پنج فصل به بررسی و پژوهش در زمینه مآخذ مهم مربوط به جنبش جنگل پرداخته است.

- جنگلی، اسماعیل (1357) قیام جنگل، یادداشت های میرزا اسماعیل جنگلی «به کوشش اسماعیل رانین. نویسنده خواهرزاده میرزا کوچک بود که در طول نهضت از یاران نزدیک و مورد اعتماد او به شمار می رفت، کتاب دارای برخی اطلاعات دس تاول است و تعدادی از دستخط های میرزا کوچک در آن وجود دارد.

- فخرایی، ابراهیم (1344) سردار جنگل «نویسنده از پایه گذاران و یکی از وزیران دولت نهضت جنگل بود، این کتاب ارزش تاریخی و ادبی بالایی دارد.

- عباسی، هوشنگ (1382) بازتاب نهضت جنگل در هنر و ادبیات»، فرامرز محمدی پور در روزنامه کیهان، شماره 19902 در نوشته ای با عنوان «عینک سرخ را به موزه بسپاریم» به نقد آن پرداخته است و نویسنده را به ی کسویه نگری در استفاده از منابع و تحلیل نهضت جنگل متهم کرده است.

- کوچک پور، صادق (1369) نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی - اجتماعی گیلان و قزوین به کوشش محمدتقی میر ابوالقاسمی.

- کشاورز، فتح الله (1371) نهضت جنگل، اسناد محرمانه و گزارش ها: «سازمان ملی اسناد و امور کتابخانه ها آن را انتشار داده است.

- مجموعه مقالات همایش بازشناسی نهضت جنگل (1381) به کوشش شورای اسلامی شهر رشت،

همایش در تاریخ های 17 و 16 مهرماه 1381 در دانشگاه گیلان برگزار شد،

در این همایش 34 مقاله ارائه شده بود که متن تمامی مقاله ها، در این مجموعه آمده است.

مکتب سمبولیسم

واژه سمبولیسم مرکب از سمبول + ایسم است، سمبول به معنای نماد، مظهر، رمز و نمایی عینی و محسوس از اندیشه انتزاعی است (فرهنگ معین، : 1375 ذیل واژه سمبولیسم) سمبولیسم بین جهان انتزاعی و دنیای مادی و اشیا پل می زند، از این رو مکتب سمبولیسم، هنر به کار بردن نمادها و رمزها برای بیان اندیشه و القای آن به مخاطب (خواننده و شنونده) است.

از سمبولیسم تعاریف مختلفی شده است، از جمله «استعمال کننده علائم رمزی، کسی که می تواند بامهارت افکار و عقاید خود را با علائم و شواهد بیان کند» (فرهنگ آریان پور، : 1353 ذیل واژه سمبل) در تعریفی دقیق تر می توان سمبولیت را چنین بیان کرد: «هنر بیان افکار و عواطف نه از راه شرح مستقیم و نه به وسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آنها و استفاده از نمادهایی بی توضیح برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده»

(چدویک،) 11 : 1376

تاریخچه شکل گیری مکتب سمبولیسم به عده ای از شاعران جوان فرانسوی طرفدار مکتب «هنر برای هنر» 2 (مکتب پاراناس) برمی گردد، آنان، در آغاز دهه نهم قرن نوزدهم میلادی از چارچوب خشک آن مکتب عدول کردند و

با اندیشه فلسفه تحققی 3 (اثبات گرایی)، رئالیسم 4 (واقع گرایی) و ناتورالیسم

5 (طبیعت گرایی) به مخالفت برخاستند (ناظرزاده کرمانی، : 89 1368) آنها از حوزه شعر صرفاً تخیلی و توصیفی فاصله گرفتند، چراکه رئالیسم ها و ناتورالیسم ها، برای واقعیت های ذهنی، روانی و عاطفی اعتبار چندانی قائل نبودند و به انتقال احساسات، عواطف و آگاهی های درونی و روحانی خود به دیگران اعتقادی نداشتند. این شاعران جوان «مانند شاعران مکتب رمانتیسم 6، از گذشته بریده بودند و به روش های سیاسی، اجتماعی و هنری زمان خود اعتقاد نداشتند و به احساسات شخصیشان، بیش از حد اهمیت می دادند و با انتخاب زبان نمادین از شاعران مکتب بهای قبلی، فاصله گرفتند» (میرصادقی، : 1376 285)

بودلر (1821 - 1867 م) در 1880 م با انتشار دیوان «گل های شر» دنیای شعر را از مضامین رئالیستی و ناتورالیستی دور ساخت، او معتقد بود دنیا جنگلی پر از علامت ها و اشارت ها است، حقیقت از چشم مردم عادی پنهان است و شاعر می تواند این علامت ها را درک و با تکیه بر قوه ادراک حساس و با استفاده از بیان نمادین، آنها را به مخاطب القا کند، شیوه سمبولیسم ها مبتنی بر سه اصل بود. 1: آهنگ کلام و رمز بیان. 2: هیجان. 3: استقلال (ناظرزاده کرمانی،) 132 : 1368

اصول مکتب سمبولیسم

اصول و کارکردهای گوناگونی برای این مکتب بیان شده است، مانند: 1: تصویر حالات روحی یا موسیقی کلمه ها، آهنگها و رنگها. 2: آفرینش حالات غیرعادی روحی در ضمیر خود. 3: تعیین سرنوشت به وسیله نیروهای ناپیدا. 4: حاکم بودن درک و احساس شخصیت در فهم اشیا. 5: بیان حالت اندوهناک و ماتم زای طبیعت که مایه عذاب و یأس است. 6: توجه به شکل ها، سمبل ها، آهنگها و قوانینی که احساسات آنها را مینماید و عقل آنها را طرد میکند، بنابراین رؤیا و تخیل بار دیگر از طریق سمبولیسم وارد شعر شد و از این طریق در سایر حوزه های ادبیات تسری پیدا کرد (ماحوزی، 1371:316)

تعاریف نماد

تعریف لغوی این واژه «بر وزن سواد، به معنی نمود م بیابند که ماضی نمودن است و به معنی فاعل آمده است که ظاهر کننده است» (دهخدا، : 1377 ذیل واژه نماد) و در فرهنگ معین آمده است: «سمبول (symbol اسم 1. شیء یا موجودی که معرف موجود مجرد و اسم و معنی است، نشان و علامت. 2. مظهر. 3. هر نشانه قراردادی اختصاری»

(فرهنگ معین، : 1375 ذیل واژه سمبل)

تعریف اصطلاحی

واژه symbol به معنای نماد، نشانه، دال، نمودگار، نمودن و رمز است. (محسنیان راد، 1385:22) این واژه، در ابتدا به شیء دونیم شده، از جنس چوب، فلز و ... که با کنار هم قرار گرفتن، کامل می شدند، اطلاق می گردید و دارای مفهوم وصال و جدایی بود (شوالیه و گریبان، 1378 ، پیشگفتار- 35 : 34) اصطلاح نماد، در حوزه های فلسفه، زبان شناسی، ارتباط شناسی، هنر و ادبیات کاربرد دارد، ریشه اصلی آن، در ادبیات به نشانه شناختی جهان باستان بازمی گردد، چراکه گذشتگان همواره منابعی غنی از رمزها و نمادها را در ادبیاتشان به کار می بردند. در واقع نمادها ارکان اساطیر کهن هستند و حتی می توان گفت: زبان اسطوره، نماد است (پیرحیاتی، 1385 : 355) برای نماد نمی توان تعریفی ثابت و لایتغیر ارائه کرد. نماد زادگاه هنر است و در حوزه های مختلف دانش بشری، نقشی بنیادین دارد و به دلیل قلمرو وسیع استفاده از نماد و نامحدود بودن پویایی آن، چندین معنی برای نماد در نظر گرفته اند (صوفی، 1959 : 1382) اندیشمندان از نظرگاه های مختلف آن را تعریف کردند: «نماد بهترین تصور ممکن برای تجسم چیزی ناشناخته است که نمی توان آن را به شیوه ای روشن تر نشان داد» (یونگ، 16 : 1377)

، در واقع نماد دارای جنبه ناخودآگاه وسیعی است که هرگز به طور کامل توضیح داده نشده است و ذهن انسان در «کندوکاو به تصوراتی می رسد که خارج از محدوده و استدلال معمولی است» (افشار، 159 : 1379) نمادشناسی قدمتی طولانی دارد، افلاطون (428 - 348 پ.م) در «کراتیکوس»

منشأی زبان را مورد تأویل قرار داد، ارسطو (384 - 322 پ.م) در «بوطیقا» به تأمل در تفسیر اسم پرداخت و در نهایت، فلوطین (270 - 204 پ.م) با نوشتن کتابی درباره زیبایی شاخص نمادگرایی در هنر، بیان داشت: هر اثر هنری باید ایده ای را ارائه دهد، مثلاً معمار، ایده ای را که در ذهن دارد، به خانه ای بیرون از ذهن تبدیل می کند. (پیرحیاتی، 120 - 21 : 1380)

نشانه شناسی 7 و نماد، در دوره معاصر با دو شخصیت متفکر پیوندی ناگسستنی دارد، فردینان دوسوسور (1857 - 1913 م) متفکر و زبان شناسی سوئیسی با رویکرد فنی و زبان شناسی به نماد پرداخت و چارلز ساندرز (پیرس 1839 - 1914 م) فیلسوف پراگماتیست با رویکردی منعطف تر آن را به سایر حوزه ها وارد ساخت. (ضمیران، 8 : 1382) سوسور، با نگرش به ساختار زبان به عنوان اصل بنیادین در زبان شناسی، آن را شاخ های از دانش عمومی نشانه شناسی نامید، بسیاری از پژوهشگران او را پدر زبان شناسی نوین می نامند که پژوهشهای خود را به دو زبان فرانسه و آلمانی به انجام رسانید. مهم ترین بن مایه فکری او «دروسی در زبان شناسی عمومی» در 1916 م توسط دو تن از شاگردان او، به ویژه شارل بالی (10 - 1947) 1865 م بعد از مرگش - متکی بر یادداشت های درسی - منتشر شد، با انتشار این اثر، او پایه گذار انقلاب علمی در قلمرو زبان شناسی ساخت گرا شهرت یافت.

از دیدگاه سوسور، هیچ رابطه ای بین معنا و ابژه وجود ندارد و معنای هر نشانه به رابطه اش با سایر نشانه ها مربوط است، مانند معنای چراغ قرمز که به چراغ سبز وابسته است، او برخلاف پیشینیان خود که از منظر تاریخی یا در زمانی 11 ، به بررسی زبان شناسی اثر می پرداختند، اثر را از نظر هم زمانی 12 مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نظریات سوسور، در علوم اجتماعی در شکل گیری ساختارگرایی در انسان شناسی توسط کلود لوی استروس 13 (1908 - 2009 م) به صورت جدی تأثیرگذار شد و در نهایت نیز اندیشه اش از سوی ساختارگرایان 14 ، پس از ساختارگرایان 15 مورد استفاده وسیع قرار گرفت. (همان 22 - 25)

پیرس، مبدع علم نشانه شناسی است، هدف این علم شناخت و تحلیل نشانه های نمادها، به صورت گفتاری و شنیداری در اشکال مختلف زبانی و صورت های غیرزبانی مانند نشانه های فیزیولوژیکی، بیولوژیکی و نظام های

معنایی و ارزشی است. (فکوهی، 299 - 300 : 1383) به بیان دیگر، هدف نشانه شناسی، تعیین نظام معنایی نشانه ها، چون : زبانها، رمزها، نمادها و نشانه های علامتی است. «بهترین روشی است که با ایجاد معنی و یا به تعبیر رولان بارت فرایند معنی دار شدن سروکار دارد» (استرنینانی، 1381 : 153) پیرس، برخلاف سوسور، نه به خود نشانه، بلکه به فرایند تولید و تغییر نشانه ها (نشانه پردازای) توجه کرد و آن را در کانون نظریه نشانه شناختی قرار داد و نشان هپردازای را مستلزم سه عنصر: نشانه، مصداق و تعبیر دانست. (فکوهی، 1383 : 30) او نشانه را چیزی جز منطق در معنای گسترده آن نمی داند، نشانه از خال انتزاع ذهن به معنای می رسد که می تواند همواره بنا بر ذهن متفاوت باشد و در آن همیشه با نوعی خودسرانگی روبه رو هستیم (همان : 30) ، پیرس نشانه را به سه دسته تقسیم کرد. 1 :

شمایل . (icon) 2 نمایه (index) و 3. نماد (symbol) (الستون، 137 : 1381) او به مطالعه نماد با رویکرد ارتباط شناسی به عنوان یک واسطه 16 در انتقال پیام پرداخت. کار پیرس از این جهت مهم است که او در تأکید بر نماد «از جنبه های فلسفی محض در زبان شناختی صرف در این باره صرف نظر کرد» (همان : 138)

کارکردهای نماد

نماد متعلق به جامعه و وسیله انتقال و مفاهیم پیام به اعضای جامعه است، نماد ارتباط و مشارکت انسانی را تأیید و تقویت می کند و به بسط همبستگی و کنش اجتماعی می پردازد و گاهی مصونیت آفرینی فردی و اجتماعی را در پی دارد، برای نمادها، کارکردهای نه گانه برشمرده اند، به طور مختصر به آنها اشاره می شود:

1. تقلیل ناپذیری نماد. 2. جانشینی کلامی نماد. 3. میانجی‌گری نماد. 4. وصل آفرینی نماد. 5. عملکرد تربیتی. 6. تبیین باورهای اختصاصی. 7. پژوهش افکنی. 8. تعالی بخشی. 9. درک عناصر زیباشناختی

تقسیم بندی نماد

از نماد تقسیم بندی های متعددی صورت گرفته است: کراپ آن را به دودسته ملکوتی و زمینی تقسیم کرد، میرچالیاده - 1986
17 (1907 م) معتقد است سه نماد اورانیایی (اهورایی)، ختونیایی (اهریمنی) و فضا و زمانداریم، ژرژ دومزیل (1898 - 1986
18 م) آن را به سه بخش پیکانیول (راهب)، چوپان (کوچ گر) و شخم‌گرا (تولیدگر) تقسیم کرده است (رک: همان 55 - 58) یونگ
19 (1875 - 1961 م) معتقد است: تاریخ‌نمادگرایی نشان می دهد که هر چیزی می تواند معنای نمادین پیدا کند، او اشیای طبیعی مانند سنگ، حیوان، آتش و... عناصر دست ساز چون: خانه و کشتی و اشکال تجربی نظیر عدد و یا شکل های سه و شش گوشه و... را نمونه هایی معرفی می کند که در بین ملل مختلف، هویت نمادین یافته اند و یادآور می شود که «درواقع جهان و هر چه در آن است، نماد بالقوه است که انسان از آن ها با گرایش طبیعی، به آفرینش نماد می پردازد» (یونگ، 48: 1377)

تقسیم بندی نماد در ادبیات (شعر)

در یک تقسیم بندی، نماد در ادبیات به سه دسته تقسیم می شود:

- 1- نماد طبیعی: در ادبیات به ویژه شعر گل نماد لطافت است، لاله نماد پاکی و شهادت، اما همین نماد طبیعی، گاهی دوقطبی می شود، آب از یک سو مظهر تطهیر است و از سوی دیگر در قالب طوفان، عامل تخریب محسوب می شود.
- 2- نماد مستور (اختصاصی): نمادهایی که در سبک زبانی شاعر و نویسنده تجلی م بیابد، نظیر پیر، مغان و رند در شعر حافظ.
- 3- نماد مرسوم: به نمادهایی که به واسطه عمومیت یافتن نمادهای اختصاصی گفته می شود، مثلاً واژه زمستان به عنوان نماد پیری، سردی و بی عاطفگی بعد از سرودن شعر زمستان اخوان ثالث (1334 ش) عمومیت یافت.

نماد از نظر نوع پیدایش و کاربرد در ادبیات فارسی به سه دسته تقسیم می شود:

- 1- نماد قراردادی: سمبل های عمومی هستند که همه مردم آنها را قبول دارند و از گذشتگان به ارث رسیده اند (براهنی، : 1371
121) اصطلاحاتی چون: میخانه، شراب، لعل و... در شعر صوفیان و یا واژه هایی مانند شب، موج و مرداب در شعر معاصر (فتوحی، 193- 4: 1385)
- 2- نماد ابداعی (شخصی): نمادهایی که زاینده ذهن شاعر است و به وسیله او در جهان پیرامونی دیده می شود و به صورت عرف در جامعه متداول نیست و معنی از پیش شناخته شده ای ندارد.
- 3- نماد واقعی (آگاهانه): حاصل عالم روحی و تجربیات خاص شاعر است و در این حالت کلمه از وظیفه اصلی خود - که ایجاد ارتباط است - جدا می شود، ابهام این نوع، از دو نوع قبلی بیشتر است و نیاز به تفسیر دارد، برخی نیز تا حدی تفسیر ناپذیرند (میرصادقی، 281- 2: 1376)

خاستگاه نماد در ادبیات فارسی

مهم ترین خاستگاه ادبیات را می توان در سه بخش آیین های ملی و اساطیری، طبیعت و دین و مذهب در نظر گرفت.

- 1- آیین های ملی و اساطیری: اساطیر سرچشمه نماد هستند، هر قومی بر اساس ایدها و نگرشهای خود، نمادهای ویژه دارد (فتوحی، 191: 1385)

2- طبیعت: یکی از پرکاربردترین ابزار نمادسازی، به ویژه در شعر، طبیعت است، بودلر معتقد بود «وقتی طبیعت به حوزه پاینده هنر وارد می شود، استحاله می یابد و نمادین می گردد، اما از بین نمی رود.»

(ولک، 269: 1377)

3- دین و مذهب: نمادهای این بخش در نثر و شعر فارسی در قالب مکان های مقدس نظیر مکه، مدینه، مسجد، حوادثی چون: کربلا، صحنه های دفاع مقدس و مصادیق و مفاهیمی چون: شهید، شهادت، آزادی، دعا و نیایش بیان می شوند. در مجموع، نماد قدرت طبقه بندی و نام گذاری به انسان می بخشد، قدرت تخیل او را در امور ذهنی و ماورایی و عبور از زمان و مکان افزایش می دهد و به او توانایی دگرگونه اندیشیدن و متفاوت سخن گفتن می بخشد و او را «به سوی پنهان ترین خاستگاه کنش می راند و در را بر روح ناشناخته و بینهایت م یگشاید» (شوالیه و گریبان، 17: 1378) نماد در دو مفهوم خاص و عمومی به کار می رود، نماد در مفهوم خاص، بیانی است که محققان هر گروه برای بیان مقصود خود از آن بهره می گیرند و در مفهوم عام و وسیع کلمه «تعریف واقعی انتزاعی یا احساس و تصویری غایب برای حواس به یاری تصویر یا ش یء است» (ستاری، 7: 1376) که با استفاده از کلمه، حرف، علامت اختصاری، شکل و به کارگیری از اندام انسانی و ... بیان می شوند.

ادبیات بومی (اقلیمی)

یکی از پرکاربردترین نوع ادبیات در جهان و ایران، ادبیات بومی است، این ادبیات، پژوهاک و آینه تمام نمای بخش های گوناگون مردم به شمار می رود که در نهایت مقوم ادبیات ملی محسوب می گردد. در هر منطقه و کشور، نمادهایی به صورت عناصر مختلف طبیعی، جانوری، مذهبی، آیینی، مادی و ... وجود دارند که مردم، به ویژه شاعران و نویسندگان، برای بیان مضامین فرهنگی، اساطیری، سیاسی، اجتماعی و ... از آنها استفاده می کنند، اگر آن مضامین اختصاصی در ادبیات و فرهنگشان نفوذ کند، تبدیل به ادبیات بومی (اقلیمی) می شود. ادبیات بومی، هم دارای معنای وسیع و هم دارای معنای محدود است، کلمه بومی native با کلمه ملت و مردم native هم ریشه است و دارای معانی زیر است: خالص، دس نخورده، طبیعی و اصیل که در محلی واحد ساکن است (دستغیب، 15: 1380)

ویژگی های ادبیات بومی

هفت ویژگی برای ادبیات بومی بیان شده است، از جمله:

1. وحدت اوضاع جغرافیایی مانند کوه ها، رودها، شرایط جوی و میزان بارندگی. 2. مشابهت وضع زراعی و معیشتی چون: وجود باغ چای، مزارع شالیزار، نخلستان، گندم و حریفه های خاص نظیر ماهی گیری و حصیربافی. 3. وحدت گویش محلی و وجود اصطلاحات و ترانه های مشترک. 4. مشابهت آیین ها و مراسم در جشن ها، ازدواج، مرگ، کوچ و ... 5. تشابه مناسبت های اقتصادی مانند مشارکت اعضای خانواده در کارهای تولیدی، کاشت، داشت و برداشت. 6. وحدت زبان، تاریخ، مذهب، نهاد های آموزشی، میادین ورزشی و ... 7. طرز گذراندن ایام فراغت، سیاحت، زیارت و انواع بازی ها (همان: 15-17)

بنابراین خصائص جغرافیایی، زمانی و آداب و رسوم در ادبیات به ویژه شعر کاملاً خود را نشان می دهند، مثلاً بسامد واژگانی اشعار بومی رحمدل و رضایی نیا - که در شمال ساکن بودند - با بسامد واژگانی شعرهای اقلیمی منوچهر آتشی - که ساکن جنوب بود - متفاوت هستند.

معرفی میرزا کوچک خان

یونس معروف به میرزا کوچک در (1298 ه. ق. 1257 ه. ش) در محله استادسرای رشت به دنیا آمد - چون پدرش را میرزا بزرگ می نامیدند، او را میرزا کوچک خطاب می کردند - در مدارس صالح آباد و جامع رشت به تحصیل علوم حوزوی پرداخت و سپس در مدرسه محمودیه تهران تحصیل کرد ذوق سلیم کوچک جنگلی در ضمن تحصیلات به حفظ و ضبط اشعار متقدمین شعر او را می داشت و گاهی نیز اشعاری به رشته نظم می کشید (جنگلی، 5: 1355)

میرزا کوچک در مراحل مختلف نهضت مشروطه از جمله فتح قزوین شرکت داشت، بعد از حمله محمدعلی شاه به ترکمن صحرا، برای مقابله با محمدعلی شاه به آن منطقه رفت و از ناحیه سینه و دست راست زخمی شد. (همان 9: 42 - 43: 1366) به دلایل: تنظیم قرارداد 1907 م و تقسیم ایران به دو حوزه نفوذ روس و انگلیس، حضور نیروهای روس در گیلان، استبداد حکام و کشیده شدن پای ایران به جنگ جهانی اول، میرزا به همراه سالار فاتح، طرح عملیاتی نهضت جنگل را فراهم کرد، سالار فاتح از

تصمیم خود عق بنشینی کرد و میرزا با هسته اصلی و اولیه هف تنفره، آن را پای هگذاری کرد (جنگلی، 15 - 16 : 1355)، میرزا و بیاراتش در شوال 1333 ه. ق اولین عملیات نظامی علیه نیروهای اشغالگر روسی را انجام دادند (مدنی، 1377، ج 43: 1) 42- میرزا در نهایت در 11 آذرماه 1300 ش به شهادت رسید.

ایدئولوژی نهضت جنگل

روند ایدئولوژیکی نهضت جنگل به سه مرحله تقسیم می‌شود. 1: ایدئولوژی میرزا پیش از آغاز و شک لگیری نهضت. 2: ایدئولوژی نهضت از ابتدا تا آستانه تأسیس جمهوری. 3: ایدئولوژی نهضت در درون نهضت که در هر سه

دوره در مدار ارتقایی حرکت کرده است. (کریمی، 419 - 420 : 1381) این تقسیم بندی را می‌توان در دو وجه کلی هم بیان داشت. 1: ایدئولوژی از بنیانگذاری تا تأسیس جمهوری. 2: از تأسیس تا انتهای نهضت، در این مرحله، به تدریج اختلافات ایدئولوژیکی اعضا برجسته شد، گروهی که با هدایت احسان الله خان، نگاه غیرمذهبی- و حتی ضدمذهبی- داشتند و با اندیشه انترناسیونالیسمی جنگل را برای کمک به جریان مربوط به خویش در سطح جهانی می‌خواستند (همان) 420؛ و عد های با محوریت میرزا کوچک، بر باور مذهبی و ملی (ناسیونالیسمی) خود پای می‌فشردند.

ادبیات جنگل (جنگلی)

ادبیات جنگل یا جنگلی با فعالیت روزنامه جنگل- ارگان نهضت جنگل- در 19 ماه شعبان (1335 ه. ق. 20 خرداد 1296 ه. ش) زیر نظر علی نویدی آغاز شد، مدیرمسئولی این روزنامه، از شماره دوم به بعد، به حسین کسمایی- شاعر و نقاش- واگذار شد، کسمایی در شماره یازده و به بعد، علاوه بر اشعار زبان فارسی، اشعار گیلکی را نیز به چاپ رساند، نشریه جنگل، بیان کننده جهان بینی جنگلی ها، اوضاع سیاسی و اجتماعی آن روزگار بود و به نوعی مروج آداب و رسوم، هنر و ادبیات گیلان محسوب می گردید. (عباسی، 20 - 21 : 1381)

درواقع از آغاز انتشار روزنامه جنگل، با عنوانی به نام ادبیات جنگل (جنگلی) مواجه هستیم، انتشار این ادبیات سال های بعد نیز با شدت و ضعف تداوم یافت، در دوره پهلوی دوم (حکو 1320 - 57 ش) به دلایل متعددی از جمله: رویارویی جنگلی ها با رضاخان، منتسب دانستن نهضت جنگل به بلوک شرق، از میرزا کوچک و نهضت جنگل چندان سخنی گفته نمی شد، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی 1357 (ش) ادبیات جنگلی در همه بخش های ادبی، گسترش فراوانی یافت، به جرأت می‌توان گفت: این ادبیات بخش تفکیک ناپذیر ادبیات معاصر ایران است. انعکاس فراوان این نهضت در آثار ادبی، از بازتاب اجتماعی آن حکایت دارد، برخی آثار ادبی، نهضت جنگل را سبب پدید آمدن گونه ای از شعر تحت عنوان شعر چریکی در ادبیات معاصر می‌دانند (شمس لنگرودی، 1370، ج 15: 3) ادبیات جنگل، رویکردی سراسر مثبت و تأییدآمیز نسبت به میرزا کوچک و نهضت نداشته و ندارد، عده ای از شاعران و نویسندگان از سر مخالفت با میرزا و نهضت جنگل اشعاری سروده و یا مطالبی نوشته اند.

معرفی غلامرضا رحمدل

غلامرضا رحمدل (1330 - 1388 ه. ش) در روستای شرفشاده لاهیجان متولد شد، دارای مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان بود، او اولین کرسی استادی دانشکده ادبیات فارسی را در اختیار داشت، زرین کوب، شفیعی کدکنی و جلیل تجلیل از جمله استادان وی بودند. (عباسی، 74 : 1382) رحمدل آثار متعددی در حوزه نثر و شعر دارد که از جمله عبار تاند از: «عروض»، «دیدگاه های حکومتی سعدی»، «حماسه عطش»، «تذکره شهدای کر بلا»، «از کر بلا تا حره»، «صخره در گلوگاه آب»، «فرافکنی در مثنوی مولوی» و «ماسه آب» و دفاتر شعری چون: «چشیدن دریا»، «شکفتن طوفان»، «ما ایستاده ایم» و «گدازه های آه و چاه»، مجموعه اشعار و آثار رحمدل نشان می‌دهد که می‌توان بین ارزش شهای هنری و زبانی در شعر و نثر و پرداختن به مسائل اجتماعی پلی زد که حاصل آن نگاه به دردهای مشترک نسل شاعر است، بنابراین درک مشترک به زبان هنری مشترک و خوانش مشترک متن نیاز دارد (رنجبر، 1388: 52)

اشعار رحمدل، به ویژه در قالب های گوناگون کلاسیک، نیمایی و سپید سروده شده است. او با خلق تضادهای تازه و درون مایه های متفاوت می‌کوشد تا خاستگاه اصلی خود را که متجلی کننده احساسات و هویت معنوی انسان است «در گستره زبان نشان دهد. (همان 52)

بررسی نمادگرایی در شعر رحمدل

دو دفتر شعر رحمدل، درباره میرزا کوچک خان و نهضت جنگلی درخور توجه هستند: «ما ایستاده ایم» و «گذاره های آه و چاه». شاعر دفتر ما ایستاده ایم را به صاحبان قبرهای غربی که در چشم انداز جبهه های عملیاتی جنوب آرمیده اند تقدیم کرده است، او در مقدمه گذاره های آه و چاه آورده است: کتاب در دو بخش تنظی مشده است: درآمدی بر فرایند شک لگبری شعر جنگ و گزیده ای از اشعار نگارنده (رحمدل، 8-9: 1385) «گیله مردی ز تبار جنگل / بدر خون کرد نثار جنگلی / نفس سبز مسیحایی او / جاودان ساخت بهار جنگل» (رحمدل، 18: 1386)

-جنگل 20 یکی از نمادهای بومی گیلان است، نماد زایش و حیات همیشگی. مردان گیلان در قالب نهال ها و درختان این منطقه به شمار می روند، جنگل قلمرو روان و انسان است و محل امتحان و راز آشنایی به شمار می رود، در شعر معاصر، جنگل سمبل معنویت و آرامش است، صورت مثالی جنگل، تجلی گر بهشت در ناخودآگاه انسان است، در واقع وقتی آرزوی بازگشت مجدد به بهشت در جنبه های ناخودآگاه بشر سرکوب شد، این آرزو و اشتیاق از طریق برخی از نمادها سر برمی آورد، مانند نقش عاطفی واژه «هیچستان» در شعر سپهری.

-مسیح: حضرت عیسی (ع) در ادبیات فارسی جایگاهی ویژه دارد، شاعران و نویسندگان، از نام، لقب و معجزات او فراوان سخن گفته اند و به زنده کردن مردگان، شفا دادن بیماران و بینا کردن افراد نابینا به طور مکرر اشاره کرده اند، رحمدل در این شعر، مردی از نهضت جنگل را به حضرت مسیح (ع) تشبیه می کند که تنفس او می تواند هر مرد های را زنده کند، او نماد بیداری مردم است.

«چشم او آیتی از خشم خزر / ننگه اش جلوه گه راز سحر / محمل برکه انگشتانش / بود امواج با را بستر» (همان 18)

-دریای خزر: نماد برکت و روزی دهندگی در میان گیلانیان و ساح لنینیان شمالی است، ولی همین دریا اگر طغیان کند و طوفانی شود، ویرانگر می شود، بنابراین خزر، معادل نماد طبیعی با کارکردی دوگانه است، چشمان میرزا کوچک و جنگلی ها به نمادی تشبیه شده اند که خشم نسبت به دشمن، در آن نمود یافته و مانند طوفان و موج های مخرب و هولناک دشمن را از بین می برد.

-خشم خزر: نماد آشوب و امواج دریا نماد عصیان جنگلی هاست.

«خوش برافراشت سپیدار صدا / در دل خامش جنگل میرزا / بوته شالی بیدار را / کرد در فروغ اندیشه نشا» (همان 18):

سپیدار: تلفی سپیدار در شعر کلاسیک و معاصر یکسان نیست. در شعر معاصر، واژه سپیدار، با تغییر معانی نمادین و سمبولیک خود در معنایی متفاوت با شعر کلاسیک از سوی شاعران معاصر به کار گرفته می شود. (شاکری، 33: 1391) سپیدار در شعر کلاسیک، نماد بی ثمری و بی حاصلی بود، اما در شعر معاصر، نماد ایستادگی، سبزی و برافراشته بودن است، در این شعر صدای اعتراض میرزا کوچک، در میان صدای همگان، مانند سپیداری در بین دیگر درختان، رسا و برجسته معرفی شده است.

- میرزا «مخفف میرزاده، میرزاد و امیرزاده» است. (دهخدا، 1378: ذیل واژه میرزا)، این نام به یونس استادسرای (میرزا کوچک خان) اطلاق می شود. میرزا، نماد رهبری و پیشتازی برای مبارزه با مستبدان و ایستادگی در مقابل ستمکاران است.

- نشا در لغت به معنای «1. رویدن، نمود کردن. 2. در فارسی بونه یا قلمه را درجایی کاشتن تا بعد آن را به جای دیگری انتقال دهند، هست» (لغت نامه معین، 1350: ذیل واژه نشا). این کلمه در گیلان بسیار متداول است، نشا نماد کاشتن نهالی کوچک به منظور رشد و باروری در دل زمین است، در این شعر این واژه، نماد صدای اعتراض میرزا است که مانند نشا به تدریج رشد یافته و در قالب اندیشه آزادی خواهی تجلی می یابد، بین واژه های سپیدار، جنگل، بوته، مزرعه، نشا و شالی صفت تناسب وجود دارد و اندیشه نشا، اضافه تشبیهی است.

«تو دم سبز بهاری میرزا / !خوشه رنج بجاری میرزا / خون خورشید در اندام نسیم / هست به نام تو جاری میرزا» (همان 19)

- بجا به معنای شالیزار و یا برنج زار است، شاعر، گیلان را به برنج زاری تشبیه کرده است که میرزا کوچک در آن مانند خوشه های برنج پس از تحمل رنج ها، سر بلند کرده است و شکوفایی میرزا، نماد ندای پذیرش اعتراض او در میان سایر مردم است.

- خورشید منبع پرتوافشانی، مظهر زیبایی و از بین برنده تیرگی ها است، در ایران باستان معادل آنایهتا بود، آنایهتا هم زمان فرشته موکل بر آب هم قلمداد می گردید، در این شعر، خورشید نماد بالندگی و میهن پرستی است که در رگهای غیرت میرزا کوچک جاری است و اضافه تشبیهی خون خورشید نیز، عرق میهن پرستی میرزا را بیان می کند، خون نماد نهضت خونین جنگلی ها به شمار می رود.

ای آیه های شعر و شهادت / گل های خون گرفته گیلان / ما وارثان مذهب کوچک خان / ما راهیان سنت ابراهیم / در اشتیاق، پرواز می کنیم (رحمدل، 155 : 1385)

- واژه گیلان از دو بخش گیل + پسوند مکان آن به معنی محل سکونت گیل هاست، به این واژه در پهلوی گلان 21 و در یونانی گلای 22 می گفتند.

(لغت نامه دهخدا، : 1378 ذیل واژه گیلان) سرزمین گیلان از دیرباز، نماد سرسبزی بود، شاعر، جوانان و مردان گیلان را به گل های روییده از دل خاک تشبیه کرده است که به دلیل ظلم و ستم حاکمان، دلی خونین دارند و برای کسب آزادی، شهدای بی شماری تقدیم کرده اند.

- مذهب کوچک خان، نمادی است که به حرکت هفت ساله میرزا و یارانش در مقابل مستبدان داخلی و استعمارگران بیگانه به ویژه انگلیس و روسیه اشاره دارد، رحمدل، مردم گیلان را معتقد به همان جها نبینی می داند، شاعر معتقد است که گیلانی ها با همان اندیشه و با شجاعت، حاضر به پرداخت هرگونه هزینه ای برای پیشبرد اهداف مقدسشان می باشند.

ای غرش تفنگ / تازنده چون چکاچک طوفان / ای جاری صداقت جنگل / ای بزرگ توحید / ای مردم رزم / کوچک جنگل / باران خون گرم تو / بر گسترای سرما (همان 159)

- جنگل در این شعر، برخلاف شعر پیشین، نماد مبارزات جنگلی ها و اقدام مسلحانه آن هاست که با نهایت صداقت و جان نثاری با نیروهای بیگانه جنگیدند و با خون سرخ خود، بر سرمای بیداد حمله کردند.

- کوچک جنگل، نماد میرزا کوچک خان، رهبر این نهضت است.

- باران نماد زایش است، شاعر معتقد است خون میرزا و یارانش به هدر نخواهد رفت، بلکه بر پیکره سرمای بیداد و استبداد حمل هور خواهد شد و بشارت گرما و روزهای روشنی را در پی خواهد داشت.

ای دوست، ای برادر / امواج سبز جان خزر دیربست / در گوش هوش ساحل متروک / نام پرافتخار ترا / تکرار می کنند / مستورگان ساحت شالیزار / کز خواب سبز خویش / هر روز / بان منم ترنم گامت / بیدار می شوند (همان 160)

-خزر دریاچه ای قدیمی است که در گیلان نماد شاهد همیشگی در روند رویدادهای مبارزات جنگل است، رحمدل با فرد مبارز سخن می گوید و تأکید می نماید که دریای خزر نام او را با هیاهوی امواجش تکرار می کند، شاعر حرکت امواج دریا و آهنگ صدای موج ها بر ساحل را به سخن گفتن، تشبیه کرده است، در این شعر، شاعر از عنصر تشخیص 23 سود برده است و در واقع دریا را به سخن گفتن و می دارد تا نام مرد مبارز را تکرار کند، او این مبارز را بزرگ و پرافتخار معرفی می کند.

- شالیزار، یکی از نمادهای گیلان است که در بیشتر جغرافیای آن وجود دارد و در آن نشا کشت می شود، رحمدل، شال یکاران را به خفتگانی تشبیه کرده است که با صدای گامهای مبارزان جنگل - که ندای آزادی و ظلم ستیزی سر می دهند - بیدار شده و راه آنان را ادامه خواهند داد، او این گامها را با واژگان نم نم ترنم عاطفی و حس پذیر کرده است.

اینک / غمگین و سوگوار / تا منتهای دهکده کوچیدند / بی تو آلاله را هوای شکفتن نیست / البرز ب یحضور تو / افسرد هنر از جان کویر است (همان 121)

-گل و بهار، مبشر اتمام سختی زمستان و آغاز زیبایی هستند، آلاله، گل سر خرنگ، نماد موجودی است که عمر آن گذرا است، آلاله محصولی به دست نمی دهد و داغ سرخ بر سینه دارد، این گل در اشعار حماسی و غنائی، نماد مبارزان و آزاد یخواهانی است که در راه هدفشان به شهادت می رسند.

-لاله در ادبیات حماسی، رمز شهادت است، گل سرخ و شقایق نماد آنها هستند، هر دو رنگ قرمز دارند، رنگ و گلبرگهای سر خرنگشان، قطرات خون فروچکیده از پیکر شهید را تداعی کنند، این دو گل، عمری نسبتاً کوتاه دارند ولی عطرآشنایی آنها همیشه در خاطر ها باقی می ماند و مردم هم چنان منتظر رویش مجدد آنها می مانند، هما نظور که خون شهید فراموش نمی شود، لاله

در ایران سمبل شهید و شهادت است و به استعاره بر شخص و یا اشخاصی که در راه آرمان های خود کشته می شوند، دلالت می کند، این گل در ادبیات فارسی بعد از پیروزی و جنگ تحمیلی بسامد فراوانی یافته است.

-کوه در نمادشناسی، نشانه صلابت آفرینش است. انسان مذهبی همیشه در جستجوی تثبیت مسکن خود در مرکز جهان بوده است... کشف یا طرح نقطه ای ثابت - مرکز - معادل با آفرینش جهان است (الیاده،: 1387 22) و بر اساس عقاید ایرانیان باستان، کوه مقدس البرز در وسط زمین واقع شده و با آسمان اتصال دارد. استوارترین و ماندنی ترین بنیاد اسطوره ای

البرز، باور به یگانگی انسان و جهان است، کوه نزدیک ترین مکان به آسمان است، پس می تواند نردبان عروج انسان خاکی به آسمان باشد، بنابراین معمولاً کوه مقدس است. پیامبر اسلام (ص) در غار حرا به بعثت رسید و ده فرمان در کوه سینا به حضرت موسی (ع) نازل شد. البرز، نماد ایستادگی در پای هدف و مقصود است. چگونه یاد تو بردار شد ز حشمت عشق / چگونه خلعت خون گشت بر وی ارزانی؟ (همان 15)

-حشمت: میرزا ابراهیم مخان طالقانی معروف به دکتر حشمت- (1298 1260 ه. ش) از رهبران نهضت جنگل و از یاران نزدیک میرزا کوچک بود، او را با دسیسه و ادار کردند تا تسلیم شود، تمامی منابع از پایمردی اش در طول مبارزه سخن گفته اند، حشمت مردانه از درشکه ای که او را به محل اعدام می برد، پیاده شد و مشروط بر آنکه دست هایش را نبندند حکم اعدامش را امضا کرد، سپس با آرامش شئل را از روی دوش خود برداشت و

شخصاً طناب دار را بر گردنش آویخت. (فخرایی،) 89 - 91 : 1366 ، شاعر این

شهادت را عاشقانه توصیف کرده است و با ترکیب « خلعت خون » شعر را

تأثیرگذارتر کرد.

«ای چشمه های روشن پرواز / بر قل ههای معراج / بر بیکران سرخ شکفتن!

/ ای رویش بلند صداهاتان / برتافته ز جنگل گیلان / ایمانشان صلابت البرز /

جنگل حدیث عشق شما را / تفسیر م یکنند / دریا حدیث خشک شما را /

آواز می دهد) « همان 155 :

-دریا 24 و اقیانوس نماد رمز ناخودآگاهی است و کشتی (قایق) وسیله ای

است که انسان از آن طریق به ناخودآگاهش سفر م یکنند، اقیانوس گاهی

سمبل زن (مادر) است و بازگشت به دریا، به معنی بازگشت به سوی مادر

و مرگ است، در اشعار عرفانی، دریا گاهی نمادی از وجود واحد است

و گاهی نماد عالم معنی و عالم بسیط خداوندی است، در شعر معاصر،

اغلب دریا نماد اجتماعی دارد و سمبل آزادی خواهان و مبارزان طالب آزادی

است، در این شعر، جنگل و دریا مفسران اندیشه میرزا کوچک و جنگل یها،

معرفی شده اند.

548

مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات پایداری

معرفی عبدالرضا رضایی نیا

عبدالرضا رضایی نیا در 1343 ش در صومعه سرا زاده شد. در همین شهر به

مدرسه رفت و در سال 1361 ش دیپلم تجربی گرفت، سپس به قم رفت

و تحصیلات حوزوی را تا سطح عالی ادامه داد. در سال های 1367 ش تا 1371 به تحصیل در رشته فلسفه غرب در دانشگاه شهید بهشتی پرداخت. در کنار تحصیل و فعالیتهای پژوهشی، عمده فعالیتهای خود را در زمینه شعر، نقد ادبی و ترجمه متمرکز کرد. از او افزون بر بیست عنوان کتاب در حوزه های یادشده منتشر شده است، ضمن آنکه رضایی نیا عضویت در شورای سردبیری و سردبیری نشریاتی همچون مجله شعر، میراث جاویدان، طلایه، گنجینه را در کارنامه دارد. وی در سال 1372 به زادگاهش برگشت و عاوه بر پیگیری مطالعات و تدوین آثار قلمی خویش، مدیریت شبکه استانی رادیو گیان و دبیری شورای شعر و موسیقی گیان را بر عهده گرفت. از سال 1380 به بعد دوباره به تهران کوچید. مدیریت گروه ادب و هنر رادیو فرهنگ و عضویت در شورای عالی شعر صداوسیما از جمله فعالیتهای فرهنگی او در این سالهاست. از آثار منظوم او می توان به «بخوان عین باران» و «فرشته بفرستید» و از آثار منثور او می توان به «تأملی در نقد و شعر معاصران» و «عاشقانه با کلمات» اشاره کرد.

بررسی نمادگرایی در شعر رضایی نیا

دو شعر رضایی نیا، درباره نهضت جنگل و میرزا کوچک بسیار معروفند:

«ساعت دلتنگی» و «عبور سبز». «مبنا و بن مایه سرودن ساعت دلتنگی،

بخشی از کتاب ابراهیم فخرایی «سردار جنگل» است. (ر.ک صفحات) 236-8:

فخرایی با استفاده از فن نویسندگی، جزییات آخرین دیدار میرزا کوچک و

همسرش را به تفصیل آورده است، به نظر می رسد عین همه دیالوگهای

مطرح شده طرفین از صحت تاریخی برخوردار نباشد، رضایی نیا، بر اساس

آن دیدار، شعر نوی بلندی سروده است، در ادامه نمادهای این شعر و

مثنوی «عبور سبز» را بررسی می کنیم:

«با انبوه گیسوانش / پریشان / جنگلی / هو هو زنان در باد / رستاخیز

شورانگیز شهیدان / جمال جلیل جنگلیان / بر اسبه اشان / در باران»

549

جلد چهارم

(رضایی نیا)، 92 : 1387

-باد 25 در بیشتر فرهنگها مظهر خبررسانی و پیک روح و دم حیاتی عالم و پیک ایزدی است، به دلیل انقلاب درونی باد، آن را نماد بی ثباتی و ناپایداری نیز می دانند، در نمادگرایی هندو، خدای باد 26، نفخه کیهانی است، باد از یک طرف باران حیا تبخیش را به وجود می آورد و از طرف دیگر، مسبب طوفان و حتی مرگ است، در آیین مزدیسنا باد، نقش پشتیبان جهان و تنطی مکننده توازن دنیای مادی و اخلاقی را عهد هدار است و روز بیست و دوم هرماه به نام باد (واز) نامیده می شد، در عرفان اسلامی، باد نشانه خواست و قدرت الهی و همچنین مظهر انس با خداوند است، باد، در شعر معاصر، نمادی از گذر زمان، حرکت و نیز نابودی و ویرانی است، در این شعر باد، نماد پیک رسانی مبارزان جنگلی است.

-باران : 27 در ادبیات همه ملتها، نماد باروری است، در اندیشه توحیدی، باد نماد تبرک الهی است، در اساطیر یونانی، همه خدایان آسمان و زمین توسط باران بارور می شوند و تولید گیاهان و حیوانات از دل زمین به واسطه قدرت باروری اوست، در شعر معاصر باران نمادهای گوناگونی دارد مانند آزادی، از بین برنده غبار عادتها باد همچنین نماد تخریب و ویرانی است. در این شعر باران نماد تازگی، طراوت، پاکی و اخلاص سواران جنگلی است و شاعر جنگل یها را نماد انسان های مخلص و وارسته معرفی کرده است.

«میرزا / گفتم و گریست و / رفت / و آب و آینه و قرآن / گامهای روشنش را / تا با لهای فرشتگان بدرقه کردند / یادگار وداع او / ساعت طلایی بود / تا در رهگذر قایق / با اشک خاطره بارش / زنگار کمترین ابهام را / از چشمانش
بزاید (همان) 27 - 28 :

-آب یکی از عناصر چهارگانه است که به اعتقاد پیشینیان در آفرینش جهان مؤثر بود، در آیین مزدیسنا نیز آب، عنصری مقدس و ایزدی شناخته می شد و با ایزد تیر در پیوند بود، نمادین بودن آب در ادبیات فارسی به خلق مضامین گوناگون جاودانگی و تزکیه و شکل گیری برخی از آیین ها و اسطوره ها منجر شده است، در این شعر، میرزا کوچک و جنگلی ها، با نماد آب معرفی می شوند که مایه رهایی مردم از استبداد و استعمار می گردند.

-آینه (آینه): آینه از خود تصویری ندارد و انعکاس دهنده چیزی است که در مقابلش قرار می گیرد، در ادبیات عرفانی، آینه معادل قلب انسان عارف و مؤمن است. آینه بازتاب چیست؟ حقیقت، صمیمیت، درون، قلب و آگاهی ... حتی اگر مفهوم عمیق آینه چیزی دیگر باشد آن را با آشکارگی حقیقت و خلوص مرتبط می دانند (شوالیه، 1384، ج 1: 323) شاعر میرزا را نماد آینه صاف، پاک و درخشان می داند که مردم با نگاه به چهره او، می توانند هویت خود را باز یابند و به تداوم قیام نهضت جنگل پردازند.

-قرآن: کتاب آسمانی حضرت محمد (ص) و مقدس ترین کتاب نزد مسلمانان است، نماد امری قدسی است، شاعر اندیشه میرزا را با مباحث قدسی و الهی پیوند داده است.

برف آباد سال سرد / وقتی کولکیان سفاک / چشمان آبی سردار را / در شهر شالی ها / سربریده گردانند (همان : 28)

-سردار: در پهلوی سردهار(قائد، پیشوا و رئیس) از دو بخش سر به معنی ریاست و دار به معنی از درشتن تشکیل شده است .
(دهخدا، : 1378 ذیل واژه سردار)، در این شعر سردار، نماد میرزا کوچک است، در طول تاریخ تمامی مبارزات آزاد یخواهانه به نتیجه نرسید، برخی عقیم ماندند و تعدادی نیز در گذر زمان محقق شدند، گروهی از مبارزان و انقلابیون نیز قبل از دستیابی به هدف نهایی، به شهادت رسیدند مانند مدرس، امیرکبیر، خیابانی و میرزا کوچک. در این شعر، شاعر با تعبیر چشمان آبی سردار نشان می دهد که گذر تاریخ حقانیت باور و هدف جنگلی ها را تأیید کرده و آن را به نتیجه خواهد رساند، در حقیقت یکی از زمینه ها و ریشه های پیروزی انقلاب اسلامی را می توان در نهضت جنگل جستجو کرد.

سربریده / پیکرهای گوله آجی / و ساعت خاطره طلایی / که باز در چشمان بیدار شالیزاران / دلتنگی اش را / ترانه می خواهد
(همان 19)

-سربریده: سربریده در مذهب تشیع، قصه غم انگیز کربلا را تداعی می کند که با مؤلفه هایی چون: نیزه، قرار داشتن روی نیزه، اسارت، چوب خیزران در دستان یزید، قساوت او در زدن ضربه به سربریده امام حسین (ع) در ارتباط است، در این شعر، سربریده، نماد مظلومیت عمیق میرزا و یارانش است که از نظر تاریخی با مظلومیت امام حسین (ع) پیوند می یابد، میرزا کوچک تسلیم پیشنهاد و سوسه آمیز دولت وقت - در آغاز مسؤلیت حکومت گیلان و سپس تأمین جانی - نشد و در 11 آذر 1300 ه. ش در سرمای جنگل به شهادت رسید. بکرم مکاری و عده ای، جنازه میرزا و گائوک آلمانی (هوشنگ)

را با احترام وارد روستا کردند، اما رضا استکانی به دستور سالار شجاع، برادر امیر مقتدر تالش، سر میرزا را قطع کرد، عوامل حکومت مدت ها سربریده میرزا را، در ماسال و تالش این دست و آن دست کردند، مدتی در رشت برای به اصطلاح عبرت مردم آن را به نمایش گذاشتند، سپس در گورستان حسن آباد دفن کردند و در نهایت سر و بدن را - بافاصله زمانی - در سلیمان داراب رشت مدفون ساختند، در مظلومیت تمام و بی سروصدا.

پای مزار دار / هفده شمع بارانی / خیره به جاده ای جنگلی / که در گام ما / گم می گشت / سوی سمفونی خمپاره ها / رضایی نیا،
(1388 : 10)

-شمع: شمع نماد سوختن است، عنصری که خودش می سوزد، تاریکی را می زداید و روشنایی را به دیگران هدیه می کند، شمع نماد ایثار و از خودگذشتگی است، وجه نمادین شمع از دیرباز در ادبیات فارسی مطرح بود، رضایی نیا یاران میرزا کوچک را مانند شمع هایی می داند که با بارش طراوت و زندگی، مسیر را به دیگران نشان می دهند.

-جاده جنگلی: این جاده در واقع مسیر رسیدن به گیلان را نشان می دهد، اما در این شعر، نماد گیلانی آزاد و به دور از استبداد داخلی و استعمار بیگانگان است، دلاوران جنگلی هنگام شهادت، چشم منتظر آینده ای هستند که گیلان آزاد و رها از هر نوع خودکامگی و وابستگی به خود خواهد دید. پلک زدیم / نینوای نیزه و لبخند / حسین به نماز عشق برخاست / سبز سرخ برخاستیم / سرخ سبز / نماز برخاست / سبز در سبز / و پرندگان نیزارهای قرون / برخاستند (« همان 52)

-نینوا: نام منطقه ای در کشور عراق است، برای شیعیان بین سه منطقه نینوا، کربلا و کوفه پیوندی ناگسستگی وجود دارد، این سه منطقه در حماسه کربلا، عناصری نمادین به شمار می روند: نینوا نماد نیزه، کربلا نماد شهادت مظلومانه و کوفه نماد بی وفایی و غدر.

-لبخند: گرچه قیام امام حسین (ع) به شهادت ایشان و تمامی یارانش منجر شد و بازماندگانش نیز به اسارت برده شدند، اما جمله معروف حضرت زینب مارایت الا جمیلا با واژه لبخند، همبستگی ایجاد می کند، شهادت جز وصال معبود نیست، از این رو ترکیب نینوای نیزه و لبخند شکل نمادین می یابد و شاعر، پایان کار نهضت جنگل را نافرجام و بدیمن نمی داند.

-سبز: یکی از رنگ هاست. رنگ سلطنت گیاه است و سیزی آن از آب ها به دست می آید، بیداری زندگی است، رنگ امید و نیروی جاودانگی است، نماد آرامش، آسایش و رهایی از فضای خفقان آور است(زارعی برمی، 73 : 1393) شاعر در این شعر، سبز را نماد تعلق شیعی میرزا و جنگلی ها اعلام کرده است که برای تحقق آرمانهایشان حاضر شدند جان فشانی کنند، این رنگ نماد انتظار فرج امام زمان (عج) نیز می باشد.

-سرخ: رنگ سرخ نماد شهادت است، ترکیب های سبز سرخ و سرخ سبز نماد تلفیق اندیشه انتظار و عصبیت شیعی(جنگ) برای رسیدن به اهداف است که در هر صورت پیروزی را به ارمان می آورد، هم در شهادت و هم در پیروزی، از ای نیروی حتی با شکست نهضت جنگل پرندگان هم با آنها هم نوابی می کنند.

-پرنده: از دیرباز در ادبیات ایران و سایر کشورها، پرنده نماد آزادی است و نماد خروج از فضای بسته و انسدادی به شمار می رود، ترکیب سبز در سبز و پیوند آن با پرندگان، نماد پیام مهم میرزا و جنگلی ها در تحقق آرزوهای آن ها است که مبین بشارت پیروزی است.

زمین در باران / آسمان / در گیاه / تفنگ ها / به درخت / بازمی گردند و / بار می دهند / گون ههای گرسنگان / در بوس هباران نان، گل / و جنگل / تلاطم تفنگ و ترانه و تسبیح (همان 123)

-درخت: به دلیل تغییر دائمی اش در فصل های مختلف، نماد زندگی است. مظهر قائمیت، همزیستی، وحدت، رشد، قدرت فزاینده و نماد انقلابی است که ریشه دار است و با سرکوب نابود نمی شود و نماد عبور از مرگ به سوی زندگی و پیروزی جنبش است (زارعی بومی، 71 - 72 : 1393)

شاعر در این شعر، تفنگها را بسته به درخت معرفی کرده است، او از نظر نمادین، به روزهای پرتشنج اختلاف بین جنگلی ها و شکست نهایی آنان اشاره می کند، اما با تعبیرهای بازمی گردند / و بار می دهند « یادآور می شود که آنان پیروز خواهند شد و اندیشه های آنها شکوفا می گردد. -گل: نماد ظهور جامعه رهاشده از استبداد است، گل نماد زیبایی و لطافت است، به همین دلیل شاعر آن را در همراهی با مبارزان آورده است، در این شعر، گل مظهر و نماد شکفتن به واسطه بارش بوس هباران و پیروزی نهایی اندیشه میرزا و باران اوست.

نتیجه گیری

1- هر دو شاعر اهل گیلان هستند، از اینرو در سرودن شعر درباره میرزا کوچک و نهضت جنگل، از عناصر بومی برای نمادگرایی استفاده کرده اند.

بیشترین اشعار رحمدل درباره نهضت جنگل و میرزا کوچک خان در دفاتر «ما ایستاده ایم» و «گدازه های آه و چاه» و در قالب چهار پاره سروده شده اند و معروف ترین اشعار رضایی نیا درای نباره، در منظومه «ساعت دلنتگی» و مثنوی «عبور سبز» آمده اند.

2-واژه های پربسامد نمادگرایی عناصر بومی در شعر دو شاعر عبارت اند از: جنگل، شالیزار، خزر، درخت، ساعت طلایی، سرمیرزا، باران، گل و رنگ، هر دو شاعر از این واژه ها ترکیبات گوناگون نمادین ساخته اند.

3-فراوان ترین بسامد نمادگرایی عناصر بومی شعر رحمدل جنگل، شالیزار و خزر می باشند که شاعر از آنها در قالب ترکیبات نمادینی چون: بهار جنگل، تبار جنگل، صداقت جنگل، خشم خزر، موج زاده، امواج بلا، شالی و بجار، اندیشه نشا و ساحت شالیزار بهره برده است.

4-نمادگرایی شعر رضایی نیا بیشتر مبتنی بر ساعت طلایی - آخرین هدیه میرزا کوچک به همسرش - سربریده میرزا، رنگ و عناصر و مفاهیم ارزشی است، او با ترکیباتی نظیر یادگار وداع، ساعت خاطره طلایی، آینه و قرآن، نینوای نیزه و لیخند، سبز در سبز، سرخ در سبز و تفنگ و ترانه و تسبیح، نمادسازی کرده است، جنگل، شالیزار، درخت و گل نیز تا حدی در شعر شاعر به شکل نمادین ذکر شده اند.

پی نوشت

1 . Symbolism

2 . Parnusse

3 . Positivism

4 . Realism

5 . Naturalism

6 . Romanticism

Semiology .	7
Ferdinand de Saussure .	8
Charles Sanders Peirce .	9
Charles bally .	10
Synchrony .	11
Diachrony .	12
Claude Lévi-Strauss .	13
Structuralism .	14
Post structuralism .	15
Medium .	16
Mircea Eliade .	17
Georges Dumézil .	18
Carl Gustav Jung .	19
Forest .	20
Gelan .	21
Gelae .	22
Personification .	23
Sea .	24
Wind .	25
Vayo .	26
Rain .	27

منابع

- 1- استرنینانی، دومینیگ، (1381) فلسفه زبان» ،(ترجمه احمد ایرانمنش)، تهران: دفتر نشر و پژوهش سهروردی
- 2- افشار، مهاجر، (1379) حضور نماد در هنرهای تجسمی» ، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه باهنر کرمان، سال سوم، شماره 6، ص 48 - 65
- 3-الستون، ویلیام بی، (1381) فلسفه زبان ،(ترجمه احمد ایرانمنش و احمد رضا جلیلی)، تهران :دفتر نشر و پژوهش سهروردی
- 4-الیاده، میرچا، (1387) مقدّس و نامقدس ،(ترجمه نصرالله زنگویی)، تهران: سروش
- 5-پیرحیاتی، محمد، (1385)مقدمه ای بر اساطیر ، تهران :دفتر نشر و پژوهش سهروردی

- 6- چدویک، چارلز، (1376) سمبولیسم، (ترجمه مهدی سحابی)، تهران: نشر مرکز
- 7- جنگلی، اسماعیل، (1355) قیام جنگل، یادداشت های میرزا اسماعیل جنگلی، به کوشش اسماعیل رائین، تهران: انتشارات جاویدان.
- 8- دستغیب، عبدالعلی، (1380) درباره ادبیات بومی، مجله ادبیات داستانی، شهریور و مهر، شماره 56، ص 14 - 17
- 9- دهخدا، علی اکبر (1378) لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج دوازدهم.
- 10- رحمدل، غلامرضا، (1385) گدازه های آه و چاه، رشت: دهسرا.
- 11 - - - - -، (1386)، ما ایستاده ایم، رشت: حرف نو.
- 12- رضایی نیا، عبدالرضا، (1387) بخوان عین باران، رشت: تکا.
- 13 - - - - - (1388) فرشته بفرستید، مشهد: سپیدرود.
- 14- رنجبر، محمود، (1388) نگاهی به اشعار دکتر رحمدل، کتاب ماه ادبیات، شماره 26 پیاپی 140، ص. 48 - 52
- 15 - زارعی برمی، مرتضی، « () ، 1393) تحلیل نمادهای شعر اعتراض در ادبیات معاصر عراق »، مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره 30، بهار، ص 61 - 87
- 16- ستاری، جلال، « () ، 1384) مدخلی بر رمزشناسی عرفانی »، تهران: مرکز، ج دوم
- 17 - شاکری، جلیل (1391) (بررسی و تأویل چند نماد در شعر معاصر، مجله ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان، ص 25 - 48
- 18- شوالیه، ژان و آلن گبران (1378) فرهنگ نمادها، مترجم: سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون
- 19 - لنگرودی، شمس، (1370) تاریخ تحصیلی شعر نو، تهران: نشر مرکز، ج چهارم، ج. 1
- 20- صوفی، محمدرضا، (1382) درآمدی بر نمادپردازی در ادبیات، فرهنگ شماره 16.
- 21- ضمیران، محمد، (1382) درآمدی بر نشان شناسی هنر، تهران: نشر قسه.
- 22- عباسی، هوشنگ، (1381) بازتاب نهضت جنگل در گیلان در هنر و ادبیات، رشت: حرف نو.
- 23- فتوحی، محمود، (1385) بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- 24- فخرایی، ابراهیم، (1366) سردار جنگل، تهران: انتشارات جاویدان.
- 25- فکوهی، ناصر، (1383) انسان شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- 26- کریمی، بهنام، (1382) مجموعه مقالات همایش نهضت جنگل، رشت: شهر باران، ص. 417 - 392

- 27- ماحوزی، مهدی، (1371) برگزیده نظم و نثر فارسی، تهران: اساطیر، چ پنجم.
- 28- مجموعه مقالات همایش نهضت جنگل، (1382)، شورای اسلامی شهر رشت، رشت: شهر باران.
- 29- محسنیان راد، مهدی، (1385) ارتباط شناسی، تهران: سروش.
- 30- مدنی، احمد، (1377) جنبش جنگل و میرزا کوچک خان، به کوشش محمدتقی ابوالقاسمی، تهران: انتشارات جاویدان، ج. 1.
- 31- معین، محمد، (1350) فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر، چ نهم.
- 32- میرصادقی، جمال (1376) واژه نامه هنر شاعری، تهران: معین
- 33- ناظرزاده کرمانی، فرهاد، (1368) نمادگرایی در ادبیات نمایشی، تهران: انتشارات برگ.
- 34- یونگ، کارل گوستاو، (1377) انسان و سمبل هایش، (ترجمه محمودسلطانیه)، تهران: جامی.